انترناسیونال 759

**در دفاع از گلرخ ایرایی**

**گفتگو با سیامک بهاری**

**انترناسیونال:** بیش از دو ماه از اعتصاب غذای زندانی سیاسی گلرخ ابراهیمی ایرایی در زندان قرچک ورامین می‌گذرد. این وضعیت بشدت نگران کننده است. آخرین خبر چیست؟

**سیامک بهاری:** اعتصاب غذای گلرخ به حق به یک موضوع نگران کننده سیاسی ـ اجتماعی بدل شده است. بیش از دو ماه اعتصاب غذا در شرایط غیر انسانی و فشارهای امنیتی و توهین و تهدید‌های آشکار و نهان نه تنها به خود او، بلکه به خانواده و نزدیکانش، گلرخ را در وضعیت اورژانسی و بشدت نگران کننده‌ای قرار داده است. طی این مدت او بارها دچار افت فشار خون و مشکلات تنفسی شده است.

در ۱۴ فروردین در شصتمین روز اعتصاب غذا، در حالیکه وضع جسمی او رو به وخامت بیشتری گذاشته بود بر اثر فشارهای جسمی و عصبی ناشی از این اعتصاب طولانی مدت، دچار تشنج گردید و به اغما فرو رفت. پزشکان زندان قرچک یک ماه پس از آغاز اعتصاب غذای او اعلام کرده بودند احتمالا دچار سکته خفیف شده است.

آتنا دائمی دیگر زندانی سیاسی که همراه گلرخ دست به اعتصاب غذا زده بود، در ملاقاتی با خانواده‌اش آن روز را این‌گونه توصیف کرده است: "گلرخ وقتی به سمت در خروجی اتاق می‌رفت، دست و پاهایش کج شده و با صورت به زمین خورد و دندان‌هایش روی هم قفل شد و … "

مسئولین زندان او را مخفیانه به بیمارستان نامعلومی منتقل کردند. تا چند روز حتی خانواده نگران گلرخ نمی‌دانستند دخترشان کجاست و در چه وضعیتی بسر می‌برد. عاقبت به پدر گلرخ تحت تدابیر شدید امنیتی اجازه ملاقات کوتاهی داده شد. در این دیدار، گلرخ اعلام کرد که کماکان دست از اعتصاب غذا برنمی‌دارد و همچنان بر خواست‌های اولیه‌اش پافشاری خواهد کرد!

این تراژدی دردناکی است که تماما توسط دستگاه امنیتی و قوه قضائیه جمهوری اسلامی به زندانیان سیاسی و طبعا خانواده‌‌های نگران آنان و به کل جامعه معترض تحمیل می‌شود. فشار امنیتی و رفتار ضد انسانی، عامدانه و مهندسی شده، بخشی از سیاست هدفمند دستگاه‌ های اطلاعاتی و امنیتی با همدستی مستقیم قوه قضائیه جمهوری اسلامی در مقابله با استقامت و اعتراض زندانیان سیاسی است.

جان گلرخ و ده‌ها زندانی سیاسی دیگر که در چنین شرایط غیر انسانی در زندانها دست به مقاومت می‌زنند در خطر جدی است.

**انترناسیونال:** چرا گلرخ در زندان است؟

**سیامک بهاری:** اجازه بدهید برای روشن شدن ذهن خواندگان نشریه خیلی فشرده و مختصر به سابقه ماجرا اشاره کنم. گلرخ ابراهیمی ایرایی و همسرش آرش صادقی به بهانه‌های واهی با پاپوش دوزی و پرونده سازی دستگاه‌های امنیتی دستگیر شدند. در دادگاه‌های فرمایشی و با سناریو‌های نخ‌نمای همیشگی دستگاه قضائیه به اصطلاح محاکمه و به حبس‌های طولانی مدت محکوم شدند.

در شهریور ۱۳۹۳ گلرخ و آرش صادقی به همراه دو تن دیگر از هم پرونده‌ای‌های آنها با ضرب و شتم دستگیر شدند. ماموران امنیتی نیمه شب به خانه آرش صادقی یورش بردند. درب خانه را شکستند. فرحناز درگاهی، مادر آرش در اثر ضربه‌ یکی از مأموران امنیتی که با شکستن درب خانه وارد شده بود عملا ضربه مغزی شد و پس از گذشت مدتی در بیمارستان به دلیل همان ضربه‌هایی که به سرش وارد شده بود، جان باخت.

آرش و گلرخ در اردیبشهت ماه ۱۳۹۴در شعبه ۵۴ دادگاه تجدید نظر به ریاست قاضی صلواتی، در یک محاکمه نمایشی بدون حضور وکیل مدافع و بدون اینکه حتی وکیل مدافع آنها اجازه دسترسی به کیفرخواست دادستان را داشته باشد، به اصطلاح محاکمه شدند. آرش صادقی مجموعا به ۱۹ سال حبس بابت ۴ فقره اتهام از قبیل اجماع و تبانی و تبلیغ علیه نظام و اهانت به رهبری محکوم گردید.

گلرخ هم بر همین روال بدون داشتن وکیل مدافع در حالیکه به دلیل عمل جراحی سنگین در بیمارستان بود و توانایی حضور در جلسه دادگاهی‌اش را نداشت، با همان جرائم مهندسی شده به جرم سرودن چند شعر و دست نوشته‌ها و داستانی در باره سنگسار که هرگز منتشر نشده بود، به ۶ سال حبس محکوم گردید. قاضی صلواتی حتی حاضر نشد به دلیل غیبت موجه متهم، جلسه دادگاه او را به تعویق بیندازد تا او بتواند در غیاب وکیل از خود دفاع کند.

پس از محاکمه و زندانی شدن، بدرفتاری‌های مهندسی شده، شکنجه و آزار و محرومیت‌های سیستماتیک و عامدانه آنها در زندان به اشکال گوناگون ادامه یافت. علیرغم این آرش و گلرخ در زندان نیز ساکت نمانند. با شجاعت و جسارت تحسین برانگیزی با انتشار بیانیه‌ها، نامه‌ها و امضای طومارها در دفاع از خود و سایر زندانیان سیاسی دست به افشاگری زدند.

آرش صادقی در اعتراض به این رفتارهای ضد بشری با خود و همسرش، ‌بمدت ۷۴ روز دست به اعتصاب غذا زد و تا پای مرگ پیش رفت. سهیل عربی دیگر زندانی سیاسی در دفاع از گلرخ و آرش به این اعتصاب غذا پیوست.

در ۱۴ دیماه ۱۳۹۵در پی این اعتراضات در داخل زندان و فشارهای بین‌المللی و افشاگری ده‌ها نهاد و تشکل مدافع حقوق زندانیان سیاسی در دفاع از این دو زندانی، قوه قضائیه عقب نشست و با شرط وثیقه سنگین ۵۰۰ میلیون تومانی به گلرخ ایرایی مرخصی داد.

گلرخ بلافاصله پس از آزادی از زندان با جسارت و شجاعت در اعتراض به رفتارهای ضد انسانی قوه قضائیه و دستگاه‌های امنیتی با زندانیان سیاسی، در باره برخوردها و شکنجه‌‌ها، محروم کردن زندانیان سیاسی از دسترسی به دارو درمان، وضعیت وخیم بهداشتی در زندانها با رسانه‌ای کردن حقایقی که جمهوری اسلامی مداوما از جامعه مخفی می‌کند، دست به افشاگری زد. او در علنی کردن جنایات بی پایان جمهوری اسلامی کوتاه نیامد. به همین دلیل مجددا از سوی ماموران امنیتی مورد تهدید قرار گرفت. حکم جلب او به زندان را ماموران امنیتی با گرو گرفتن گوشی تلفن نوید کامرانی یکی از دوستان و هم پرونده‌ای‌های او به اطلاعش رساندند. گلرخ به دلیل بیماری و ادامه درمان حاضر نشد خودش به زندان باز گردد. مأموران امنیتی با یورش و دستگیری مجددش با ضرب و شتم و توهین بدون آنکه حکم احضاری از دادگاه دریافت کرده باشد، صرفا با تصمیم مقامات امنیتی اورا به زندان اوین بازگرداند.

**انترناسیونال:** گلرخ ایرایی و آتنا دائمی چرا اقدام به اعتصاب غذا کردند؟

**سیامک بهاری:** مقامات قضایی و امنیتی در پی انتقام‌گیری و برای زهر چشم گرفتن از آنها و سایر زندانیان سیاسی پس از اعتراضات سراسری در بیش از ۱۰۰ شهر در ۴بهمن ماه ۱۳۹۶ گلرخ ایرایی و آتنا دائمی (فعال حقوق کودک، حقوق زن و علیه اعدام) که به اتهام توزیع شبنامه در محکومیت مجازات اعدام به ۷ سال زندان محکوم شده بود و دوران محکومیت خود را در اوین می گذراند با پرونده‌سازی و شکایت توسط "یوسف مردی" رییس حفاظت اطلاعات زندان اوین، چهارمحالی رئیس زندان اوین و عباس خانی رئیس بهداری زندان، بدون حکم قضایی، حتی برخلاف آیین‌نامه و قوانین قضایی مبنی بر گذراندن محکومیت در زندان محل سکونت و عدم اجرای اصل تفکیک جرایم، با حکم حاج مرادی، دادیار ناظر زندان اوین احضار شدند. آتنا دائمی به روشنی این موضوع را پس از اعتصاب غذا توضیح داده است: ابتدا به آنها گفته می‌شود جهت ملاقات بازجوها نیم ساعت به اجرای احکام اعزام خواهند شد. آن دو در اعتراض اعلام کردند، بازجو تا مرحله اجرای دادگاه بدوی حق دخالت در پرونده را دارد. سپس آنها را با تهدید و کتک‌کاری به بند ۲الف بازداشتگاه ثارالله می‌برند. پس از ۴ ساعت پنهان کاری و دروغ بافی با ایراد ضرب و شتم توسط یوسف مردی رئیس حفاظت زندان اوین به زندان قرچک ورامین تبعید می‌شوند.

از اولین ساعات این رفتار انتقام‌جویانه، گلرخ ایرایی و آتنا دائمی به این حکم اعتراض می‌کنند. محل اجرای حکم آنان بند زنان زندان اوین است و نباید تحت هیچ عنوان و بدون هیچ دلیل و توضیحی آنان را بدون اصل تفکیک جرائم و محل اجرای حکم به زندان دیگری تبعید کرد. ‌آنها را مخفیانه بدون اینکه ابتدایی ترین وسایل شخصی خود را همراه داشته باشند در بدترین شرایط و رفتار بشدت غیر انسانی در حالیکه به دلیل کت‌کاری صورت آتنا دچار ضرب خوردگی گردیده بود و یکی از عصب‌های صورتش بشدت آسیب دیده و بخشی از صورتش از حرکت باز مانده بود، به قرنطینه زندان قرچک ورامین می‌برند. اما به‌ سرعت خبر حضور این دو در زندان و بیرون زندان پخش می‌شود.

گلرخ و آتنا مداوما اعتراض می‌کنند. اما گوش شنوایی پیدا نمی‌شود. در عوض مسئولین زندان اوین اعلام می‌کنند زندانیان بند زنان اوین در خواست انتقال داشته‌اند. اما مسئول بند زنان رسماً در حضور حاج مرادی دادیار ناظر زندان اوین می‌گوید ابداً شکایتی از آنها نکرده و پرسنل هم تأیید می‌کنند.

خانواده‌های نگران این دو در به در زندان اوین و قرچک می‌شوند. پاسخ خانواده را با توهین و بازداشت، کتک‌کاری و باتوم و شوکر برقی می‌هند. خانواده‌ها را تحت فشار می‌گذارند که گلرخ و آتنا را وادار کنند تعهد بدهند که دیگر از داخل زندان نامه و بیانیه نخواهند نوشت و فعالیتی نخواهند کرد.

گلرخ و آتنا ۱۰ روز مهلت می‌دهند و اعلام می‌کنند اگر به اوین بازگردانده نشوند اعتصاب غذا خواهند کرد. از روز شنبه ۱۴ بهمن‌ماه ۱۳۹۶ اعتصاب غذای اعتراضی خود را شروع می‌کنند. به‌صورت علنی در همه جا اعلام می‌کنند "نه اهل خود کشی هستند و نه میلی به مردن دارند"!

نتیجه رفتار ضد بشری جمهوری اسلامی با این دو زندانی نمونه‌ای از فضای حاکم بر زندانها و محاکم قضایی کشور، نمونه‌ بارز پاپوش دوزی و پرونده سازی توسط جمهوری اسلامی علیه مخالفین سیاسی است.

در پی اعلام اعتصاب غذا توسط گلرخ و آتنا، سهیل عربی و آرش صادقی نیز در حمایت از آنها به این اعتصاب می‌پیوندند. بیش از هفتصد نفر از چهره‌های شناخته شده از زندانیان سیاسی و فعالین اجتماعی، ده‌‌ها تشکل و نهاد معتبر مدافع زندانیان سیاسی با راه‌اندازی کمیپن‌ها، طوفان تويتیری و ارسال نامه‌های اعتراضی ضمن محکومیت جمهوری اسلامی از آن دو می‌خواهند به اعتصاب غذا پایان دهند.

سرانجام در ۲۶ بهمن ۱۳۹۶ آتنا دائمی که به سبب بیماری و عمل جراحی کیسه صفرا به دلیل اعتصاب غذاهای گذشته در وضعیت وخیمی قرار داشت دست از اعتصاب غذا بر‌می‌دارد. اما گلرخ همچنان ادامه می‌دهد و علیرغم وخامت وضعیت جسمی‌اش بجز قند، نمک و آب چیزی نخواهد خورد! به گلرخ بارها به دلیل وخامت وضعیت جسمی‌اش سروم و با از دست دادن ۲۲ کیلو از وزن بدنش در شصتمین روز اعتصاب غذا در حالت اغما به بیمارستان نامعلومی منتقل می‌شود.

**انترناسیونال:** برای دفاع از گلرخ و همه زندانیان سیاسی که چنین جانشان در خطر است چه باید کرد؟

**سیامک بهاری:** جمهوری اسلامی کارنامه‌ای خونین و مملو از جنایت در شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی، تحمیل مرگ تدریجی آنها، محروم کردن از دارو و درمان و انواع و اقسام انتقام‌گیری از یورش به بندهای زندانیان سیاسی، تا ضرب و شتم و شکنجه و آزار و اذیت خانواده‌‌های زندانیان سیاسی دارد. از مخوف‌ترین زندان‌ها از علنی و آشکار تا خانه‌‌های امن و سلولهای بازجویی و انواع وسایل و شگردهای ضد بشری اعتراف‌گیری و هزاران فقره قتل مخالفین سیاسی بخشی از نکبت حکومت اسلامی است.

در مقابل این توحش اسلامی، هرگز مبارزه و اعتراض پایان نگرفت. مردم مرعوب نشدند و مبارزه حتی در پشت دیوارهای قطور زندانها هم با جسارت و شجاعت و شهامت ادامه یافت! بسیاری از زندانیان سیاسی بر اثر مقاومت دلیرانه خود و دفاع جانانه مردم از ‌آنها به چهره‌های محبوب و شناخته شده در سطح بین‌المللی بدل شده‌اند. از زنده ‌یاد شاهرخ زمانی، تا جعفر عظیم‌زاده، بهنام ابراهیم‌زاده، اسماعیل عبدی، سهیل عربی، آرش صادقی، سعید شیرزاد و صدها زندانی سیاسی دیگر ناچار شده‌اند در اعتراض و مقابله با توحش دستگاه‌های امنیتی و قوه قضائیه دست به اعتصاب غذا بزنند.

واکنش انسانی جامعه طبعا همیشه خواستار پایان دادن به اعتصاب غذای زندانیان است. از دید جامعه، جمهوری اسلامی مسئول تمامی عواقب زیانبار جسمی و روانی اعتصاب غذای زندانیان سیاسی است.

سرکوب خشن آزادی بیان و حق تشکل با دستگیری و شکنجه و زندان و خون پاشیدن به جامعه بخشی از سیاست شناخته شده جمهوری اسلامی است.

مشخصا ما در دوره تعرض جسورانه جامعه علیه حکومت اسلامی و بویژه دستگاه خون‌ریز قوه قضائیه قرار داریم. مبارزه وسیع جامعه علیه قوانین قصاص و سنگسار و اعدام، مبارزه درخشان زنان علیه قوانین اسلامی و حجاب، رشد اعتصابات کارگری، اعتراضات گسترده مردم در ۱۰۰ شهر در دیماه گذشته و فاکتور تشتت و فروپاشی ساختارهای قدرت جمهوری اسلامی بکلی تناسب قوا را به نفع مردم تغییر داده است.

بدیهی است که جمهوری اسلامی برای سرپا نگهداشتن خود ابزاری جز خشونت بیشتر ندارد. اما مردمی که عزم جزم کرده‌اند جمهوری اسلامی را به زیر بکشند، آزادی زندانیان سیاسی را به امر فوری خود بدل می‌کنند. همین روحیه را در تجمع اعتراضی خانواده‌‌ها در مقابل زندان اوین و دیگر زندانها مشاهده می کنید. نامه حمایتی و پشتیبانی بیش از هفتصد نفر از چهره‌های شناخته شده سیاسی و اجتماعی و فشار وسیع بین‌المللی برای آزادی گلرخ و آتنا، سهیل عربی و آرش صادقی، نشان می‌دهد آزادی زندانیان سیاسی یک هدف مهم مبارزاتی جامعه است. این جنگ نابرابر تا آزادی کلیه زندانیان سیاسی بی وقفه ادامه خواهد داشت.

دفاع از زندانیان سیاسی و خانواده ‌آنان در صدر ضروریات فوری مبارزاتی جامعه قرار دارد. باید با سارمان دادن اعتراضات، تجمع مقابل زندانها، برپا کردن تجعات اعتراضی مداوما دفاع و پشتیبانی از زندانیان سیاسی را وسعت داد.

یک وجه مهم و بسیار با اهمیت این کارزار در سطح بین‌المللی، بسیج افکار عمومی و مراجعه به وجدانهای بیدار جهان متمدن است علیه قوانین و اعمال جنایتکارانه جمهوری اسلامی است. رسانه‌ای کردن و کمپین‌های دفاع از زندانیان سیاسی و استفاده از مدیای اجتماعی است.